

# پیروزی ایران با اعصاب تبریز

تبریز، تبریز است. تبریز خاستگاه بزرگوارانی است که آزادی را، علم را، صنعت را و تجارت را برای کشور عزیزمان ایران به ارمغان آورده اند. تبریز بلاگردان این کشور است. از اعصار باستان تاکنون هربار که ایران بلائی از سر گذرانده، تبریز با مقاومت، با مبارزه و با مقاومت در مبارزه این سرود را سر داده که:

بگرد بر سرم ای آسیای چرخ زمین / به هر جفا که توانی که سنگ زیرینم

این سنگ زیرین به بهای تحمل فشارهای گونه گون، به فرهنگی پیچیده و پرصلابت دست یافته که کمتر شهری یارای چشم و هم چشمی با آن را تواند داشت. چه همین فرهنگ موجب شده ققنوس وار، پس از هر لطمه و صدمه از خاکستر خود برخیزد، با پلیدی و پلشتی درآویزد و از نو جریانی را بیاغازد که شکوفائی و باروری را به دنبال داشته باشد.

شکوفائی مدنیت تبریز در درازنای تاریخ بلندش، ذروه های متعدد داشته. آخرین و نزدیکترین آنها شکوفائی تجاری و رشد اقشار بورژوازی، به ویژه بورژوازی تجاری این شهر بوده. از اوایل به قدرت رسیدن قاجاریه تا شکل گیری نهضت و پیروزی انقلاب مشروطیت همین رشد بورژوازی، نخستین تحول اجتماعی گسترده و جدی ایران را بوجود آورد. نقش انکارناپذیر تبریز در این نهضت به برکت قشربندی اجتماعی یاد شده، صحنه آرای تاریخ این کشور شده است. ویلم فلور از جمله معدود

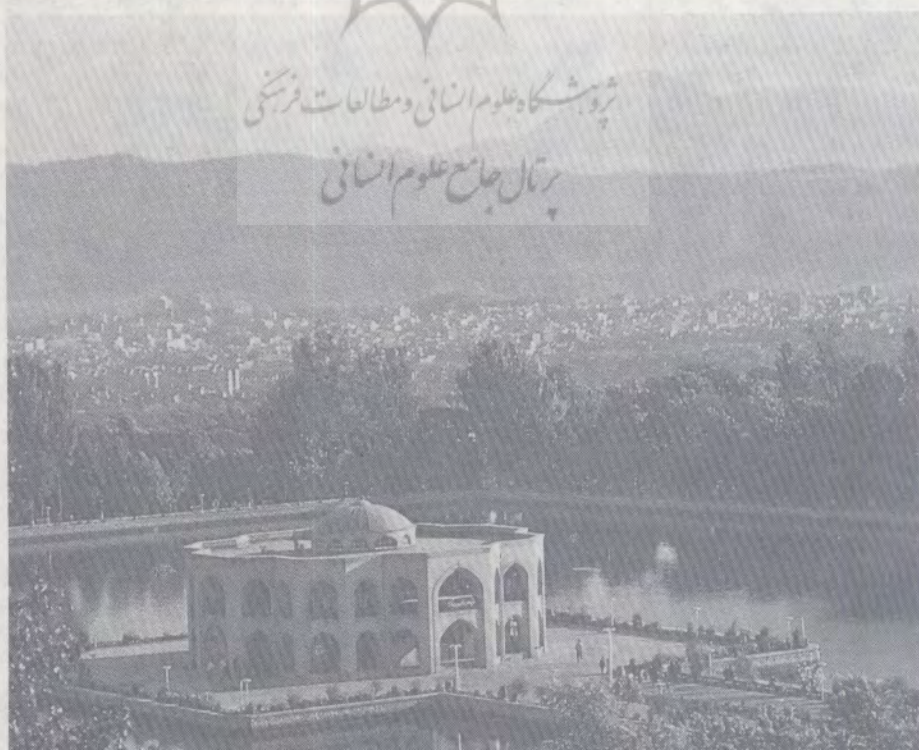
پژوهشگرانی که در تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار به تحقیق پرداخته، بارها و به بیان های گونه گون این مقام و موقع تبریز را با تاکید بر ساختار جامعه آن زمان می نمایند. مثلا در مورد اصناف، صاحبان حرف، مراکز فعالیت تجاری و به ویژه کاروانسراها، تبریز را در مقایسه با سایر شهرها غنی تر از همه گزارش می کند: «... در ۱۸۸۶ در تبریز ۳۹۲۲ دکان و ۱۶۶ کاروانسرا بوده.»<sup>۱</sup> فلور تجار را سرآمد و محترم ترین اصناف، نجبگان اقتصادی و متفدترین شخصیت های جامعه قاجاری می شناسد و می نویسد «... آگاهی طبقاتی که منحصرأ توسط تجار نشان داده می شد، از آنجا که حتی در مراکز مهم تجاری گروه بسیار کوچکی را تشکیل می دادند، افزایش یافت.»<sup>۲</sup> در ادامه، در تاکید بر اهمیت بازرگانان و بنکداران شهر و نقش و موقعیت تجاری تبریز می نویسد: «... در ۱۸۶۲ حاج کاظم، تاجر تبریز ملک التجار آذربایجان گشت... ملک التجار ناگزیر بود که به منزله شخص درجه اول در میان آن گروه عمل کند. به علاوه تعداد کمی از تجار بزرگ هر شهر تابع ملک التجار نبودند و تبعیت او را قبول نمی کردند. غالبا یکی از رهبران فکری قدرتمند تجار رهبر غیررسمی آنها می شد. مثلا در تبریز در حوالی ۱۸۵۸ آقامیراحمد اصفهانی بر تمام تجار شهر حکم می راند. دستورهای او تمام مشاجرات موجود بین بازرگانان را خاتمه می داد و در آغاز سده بیستم حاجی مهدی کوزه کنانی نقش مشابهی داشت.»<sup>۳</sup>

با رشد و توسعه قشر بندی اجتماعی در این دوره بود که گزارش می شود «... فقط در شهر تبریز که قدری توسعه یافته تر بود اختلاف طبقاتی قدری بیشتر به نظر می آمد.»<sup>۴</sup> در آستانه انقلاب مشروطیت بازرگانان و بنکداران در تحکیم موقعیت و قدرت خودگام های بلندتری بر می دارند. «... تجار تبریز در ۱۳ ذیقعد [۱۳۰۱] به تأسیس مجلس خود پرآمدند. مظفرالدین میرزا ولیعهد نوشت: «دیروز تجار را حاضر کرده، قرار انعقاد مجلس را با حضور اشخاصی که اسامی آنها به انتخاب تجار معین است، دادم. از تقویت مجلس دریغ نخواهد شد که اسباب آسودگی تجار فراهم گردد.»<sup>۵</sup> این رشد تا مقامی راه گشود که در انتقال قدرت از نجبگان سنتی به نجبگان بورژوازی نوپای ایران نقش در خور توجهی ایفا کرد. شاید نقل قول زیر در حکم آئینه تمام نمای اوضاع قشر بندی اجتماعی و موقع ممتاز تجار آذربایجان در این زمان باشد. «... پایگاه اجتماعی جنبش مشروطه در تبریز را می توان با آگاهی از مشاغل و موقعیت اجتماعی آزادیخواهان که توسط روس ها که ظاهرأ برای پایان دادن به جنگ داخلی شهر را اشغال کردند اعدام شدند، دریافت. در میان سی تن از شهدایی که شغل آنها شناخته شده است پنج تاجر، سه رهبر مذهبی که ثقة الاسلام هم در بین آنان بودند، سه کارمند حکومتی، دو مغازه دار، دو دلال اسلحه، دو نفر دارو فروش، یک نجار، یک خیاط، یک نانوا، یک قهوه خانه دار، یک جواهر فروش، یک دلال، یک نوازنده، یک روزنامه نگار، یک سلمانی و شاگردش، یک نقاش، یک واعظ و یک مدیر دبیرستان وجود داشت. چهار نفر دیگر به دلیل ارتباط با انقلابیون برجسته به دار آویخته شدند: دو نفر از برادرزادگان ستار خان و دو نفر دیگر پسران تاجری بودند که سازمان دهنده

هستهٔ محلی حزب اجتماعیون-عامیون بود.<sup>۶</sup>

واقعیت این است که از چند دهه قبل از وقوع نهضت مشروطیت، درآمد و ثروت تجار و بنکداران به تدریج آنان را به سلب قدرت از فئودال‌های بزرگ (خوانین) و حتی مشارکت در نقش‌های سیاسی راهنمون گردید. چنان‌که در مورد اول پدیده «ملکداری غیبت نشینی» در آذربایجان به ظهور پیوست: «... در سراسر بخش اول سده نوزدهم می‌بینیم که تجار جای جای صاحب مستغلات هستند. در ۱۸۳۸ بسیاری از بازرگانان تبریز صاحب مستغلات بودند.»<sup>۷</sup> البته این توسعه طلبی اقتصادی و امپراتوری سازی مالی به مستغلات محدود نمی‌شد، بلکه عمدتاً در جهت تملک دهات و روستاهای آباد و پردرآمد سوگیری کرده بود که تجار را به صورت بزرگ زمینداران نیز در آورد و همین «ملکداری غیبت نشینی» را پدیدار ساخت.

مقام و موقع تبریز به عنوان مرکز دوم سیاسی کشور یا «نایب السلطنه نشین» که از اوایل قدرت یا بی‌فاجاریه تقریباً تا اواخر آن ادامه داشت،<sup>۸</sup> از دیگر عواملی بود که تجار را به ایفای نقش سیاسی بیشتر و مشارکت در بازی‌های قدرت سوق داد. همچنین استقرار کنسولگری‌های متعدد و تجارتخانه‌ها و تجار خارجی در تبریز که تجار بومی را به رقابت و دفاع از حقوق حقه خویش وادار می‌کرد. «... در تبریز [قولنامه‌ها] می‌بایست توسط کنسول تجار اروپائی و دبیرخانه منشی حکومت ایالتی امضاء شود تا به صورت مدرک مجاز درآید. . . . در ۱۸۷۲ آنچه در تبریز جریان داشت در سایر شهرهای ایران هم شایع گشت.» هر شرکت اروپائی در تبریز یک دلال محلی استخدام می‌کرد، که همراه با نماینده شرکت در معاملات حضور می‌یافت.<sup>۹</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ویلم فلور در جای دیگر می‌نویسد: «... قبل از ۱۸۳۷ قسمت عمده تجارت در دست بازرگانان ایرانی بود که تقریباً به طور انحصاری دست اندر کار تجارت منسوجات پنبه‌ای بودند. پس از آن تعداد زیادی از شرکت‌های اروپائی در تبریز نمایندگی افتتاح کرده، به تدریج بر بازار سیطره یافتند، هنوز در آنجا رابطه مستقیمی با استانبول و مسکو وجود داشت، اما بیشتر کالاهای تجاری در داخل از شرکت‌های خارجی خرید می‌شد. در ۱۸۵۹ هنوز بخش اعظم واردات توسط تجار ایرانی صورت می‌گرفت، اما به تدریج رو به کاهش گذاشت.»<sup>۱۰</sup> از این رو «... در ۱۸۶۴ هیأت تجار در تبریز به نقش مسلط تجار و محصولات اروپائی اعتراض کردند؛ اما آنها هم نتیجه‌ای نگرفتند.»<sup>۱۱</sup> ثروت و قدرت مالی تجار موجب گردید که این گروه در میان رجال سیاسی و شاهزادگان قاجار نفوذ و احترام خاصی پیدا کنند و از آن طریق هم امتیازات تجاری و گمرکی هر چه بیشتری را به دست آوردند. به نحوی که حتی عباس میرزا نایب‌السلطنه، پس از شکست از روس‌ها و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه پس از مرگ پدرانشان «... هنگام حرکت به تهران برای احراز مقام سلطنت به تجار مراغه و تبریز متوسل شدند.»<sup>۱۲</sup>

پيامد طبيعي رونق تجاری و مالی مورد اشاره، توسعه قشریندی اجتماعی و تأسیس و راه‌اندازی فعالیت‌های گونه‌گون مدنی و فرهنگی بود که تبریز را سرآمد اقران ساخت. بحث بر سر این نیست که تبریز در هر زمینه‌ای آغازگر بوده یا نخستین‌ها و برترین‌ها را همیشه از آن خود کرده، هر چند که اگر در این باب هم بحثی به میان آورده شود، گفتنی کم نیست. بحث بر سر این است که تبریز با موقعیت ویژه جغرافیائی و تاریخی‌اش در اغلب از منته جایگاه ممتازی داشت که متأسفانه طی نیم سده گذشته آن را از دست داد و اگر تن زدن‌ها و تلاش‌های نه‌چندان چشمگیر همین چند سال اخیر نبود، به معنی کامل کلمه، و اماندگی را تجربه می‌کرد. با اینهمه اوضاع و احوال و امکانات شهر، چه در مقایسه با پیشینه درخشان خودش و چه در مقایسه با شهرهای بزرگ ایران کنونی در خور تبریز و تبریزی نیست.

افول موقعیت منطقه‌ای تبریز و تأثیر سوء آن در توسعه قشریندی اجتماعی شهر، از دو سه دهه آخری سده گذشته شروع و بنا به علل بارز داخلی و خارجی، دست کم حدود صد و بیست یا صد و سی سال آزرگار، این شهر را از رشد اقتصادی و اجتماعی باز داشته. از اینرو تبریز و تبریزی برای هفت هشت دهه، تأمل و تحمل پیشه کرده، ولی طی چهارپنج دهه آخری مدت یاد شده، به طور شکننده و خردکننده‌ای شروع به از دست دادن نیروهای فکری، مالی و... خود کرده است، یعنی مهاجرت‌ها و انتقال منابع به سایر نقاط کشور به ویژه تهران و تا حدی اصفهان و مشهد و حتی به خارج از کشور، موجبات ضعف و استضعاف آنرا فراهم آورده. زنده یاد استادشهریار در حق همین حرکت‌های تبریزشکن بوده که سروده‌اند:

مـرغـکـانـم تا پـری دارنـد از مـن می‌پـرنـد / تـنـگ بـینـد آشـیـان و کـم بـیـنـند آب و نـان

البته حدود هفتاد هشتاد سالی که به نام دوران تأمل و تحمل عنوان گردید، طولانی تر از آن است که بتواند اقشار بورژوازی شهر را بدون تحرك اجتماعی و انجام فعالیت های شایسته و بایسته انسان های آزاد اندیش و تعالی طلب، از حرکت و کوشش باز دارد. واقعیت این بوده است که در آستانه نهضت مشروطیت و یکی دو دهه پس از پیروزی آن، عمدتاً انرژی ها و فعالیت های این اقشار است که متوجه و درگیر امور سیاسی است. از آن پس هم که دگرگونی در روابط بین المللی تا آن حد اوج می گیرد که جهان به ورطه جنگ جهانی اول فرو می غلتد، سهم ایران از این ماجرا آن می شود که تحت اشغال نیروهای بیگانه درآمد و دورانی انفعالی را تجربه کند که در ضمن، زمینه ساز تحول قدرت سیاسی کشور از خاندان قاجار به خاندان پهلوی گردیده نیز می باشد.

با پایان یافتن جنگ جهانی اول، آرایش سیاسی جدیدی در سطح بین المللی شروع به شکل گرفتن می کند؛ با ظهور و قدرت یابی اتحاد جماهیر شوروی، کلیه معادلات سیاسی و بین المللی قبلی در هم می ریزند. غرب خواهی نخواهی حامی تشکیل حکومت های اقتدار طلب در اطراف کشور شوروی می شود. «پیل سودسکی» در لهستان، «آتا ترک» در ترکیه، «رضاخان» در ایران و... هر کدام در کشور خود حکومتی با مرکزیت و تمرکز شدید قدرت ایجاد می کنند. لذا به قدرت رسیدن خاندان پهلوی و استقرار سلطنت در ایران حلقه اتصال سیاست های بین المللی و ملی این کشور می شود. سهم تبریز از این تحولات روشن است. موقعیت منطقه ای این شهر به عنوان مرکز آذربایجان که دارای ویژگی های جغرافیائی، تاریخی و فرهنگی انکارناپذیری است، نه تنها آنرا در حاشیه ایران، بلکه در حاشیه جریان های حاکم بر کشور در دوره سلطنت رضاشاه پهلوی قرار می دهد.

پسرفت و افول شرایط اقتصادی و اجتماعی تبریز و منطقه تا جایی ادامه می یابد که موجبات تسلسل افراطی گریهای نهضت های منطقه ای را موجب می شود از دموکرات های شیخ محمد خیابانی گرفته تا دموکرات های سیدجعفر پیشه‌پوری. عمده ترین پیامد وقوع این نوع جریان های سیاسی در آذربایجان که اکنون نقشی کاملاً پیرامونی دارد، کم کم به صورت تاراندن نخبگان اقتصادی، فرار آنترپورنرها و سرمایه عمل می کند. چون با وجود عدم امنیت خاطر، عدم امنیت سرمایه و انواع دیگر عدم امنیت ها، منطقه از نیروهای تولید و به تبع آن از اشتغال تخلیه و محروم می شود. تبریزی که زمانی شکوفائی رشد اقتصادی و قشربندی اجتماعی را تجربه می کرد، بدل به شهری می شود که در اکثر زمینه های اداره امور عمومی، به تجربه سقوطی فاحش می نشیند که جنبه های گونه گونه آنها در نوشته های معاصر منعکس است و از ادبیات داستانی<sup>۱۳</sup> گرفته تا گزارش های رسمی<sup>۱۴</sup> این واقعیت ها را باز می تابانند.

برای احیای مجدد عظمت تبریز البته اقدامات متعددی می توان به عمل آورد و پروژه های<sup>۱۵</sup> گونه گونه را پیش کشید. هر کسی با اندوخته دانش و تجربه خود و از زاویه نگرشی خاصی که دارد، می تواند پروژه ای را مطرح کند. شاید هم نقش «گفتگو»<sup>۱۶</sup> و «علت وجودی»<sup>۱۷</sup> آن، همین برقراری

رابطه بنیادزنی در میان اندیشمندان، صاحب‌نظران، مقامات مسئول و مردم باشد. از اینرو مطرح ساختن پروژه‌ای از این دست، دست کم برای فتح باب مفید تواند بود. ولی بی‌ربط نخواهد بود که قبل از پرداختن به اصل مطلب، درباره چارچوب و فضای بین‌المللی، ملی و محلی این پروژه اندکی توضیح داده شود. جهان ما طی دو دهه گذشته از هر نظر شاهد وقوع تحولاتی بوده که قبل از این مدت، هر کسی از آن سخن می‌گفت، برای خیلی‌ها نه تنها قابل باور، حتی قابل تصور هم نبود. آرایش سیاسی جهان که تا قبل از فروپاشی شوروی «دو قطبی» نامیده می‌شد. اسماً تا ۱۹۸۹ و رسماً تا ۱۹۹۱ دوام آورد. پس از آن بسیاری از منهیات سیاسی گذشته رنگ باخت و همین موجب پیدایی روابط بین‌المللی گسترده‌ای بین کشورهای تازه استقلال یافته با سایر کشورهای منطقه گردید. در کشور ما ایران هم، تغییر رژیم از سلطنتی به جمهوری اسلامی و به ویژه جا افتادن نظام جدید با پشت سرگذشتن جنگ تحمیلی و سایر مسائل عمده مربوط به جابجائی قدرت تقریباً مقارن و همزمان با تحولات بین‌المللی مورد اشاره بود که دگرگونی‌های معینی را در سطح سیاست‌های ملی کشور ما پدید آورد. از اینرو آنچه را که در سطح ملی و به تبع آن در سطوح محلی شاهد بوده‌ایم عبارت است از اجرا شدن دو برنامه توسعه پنج‌ساله که فعالیت‌های عمرانی خرد و کلانی را بوجود آورده. در چنین دورانی که دوران سازندگی نام گرفته، به حق جا دارد که پروژه‌های عمرانی عمده و دارای ابعاد بین‌المللی، ملی و محلی طرح و بررسی شوند. از این لحاظ نیز هنگام، هنگام طرح افکنی است؛ چه به قول معروف، شرایط موجود است و موانع مفقود.

خزر نگین آسیا است. خزر بزرگترین دریاچه جهان است. خزر بهترین و به صرفه‌ترین عامل ارتباطی بین کشورهای منطقه است. بی‌سبب نیست که «سازمان عمران منطقه ای اکو» ECO در میان سایر سازمان‌های عمران منطقه‌ای در سطح جهان، سهل و شایسته سری در میان سرها در آورده.<sup>۱۸</sup> صرف نظر از ابعاد گونه‌گونی که هرکدام شایسته و سزاوار توجه و بهره‌برداری فراوان هستند، نه تنها همین بُعد عامل ارتباطی بودن - به ویژه با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیائی تمامی پنج کشور آسیای مرکزی که در محاصره طبیعت قرار گرفته‌اند - خزر را به صورت مادری در می‌آورد که هر جزر و پر مدش نعمت است و برکت. لذا با انجام دو کار عمرانی و تکمیل آنها با صدور چند مصوبه و تعرفه دولتی، نه تنها می‌توان خزر را به تبریز متصل کرد. بلکه تبریز و حتی صفحات شمال و شمال غرب کشور را به معنی کامل کلمه، احیا کرد. دو کار عمرانی این طرح پیشنهادی عبارتند از:

الف) احداث یک بندر مجهز به امکانات بارگیری، تخلیه کالا، انبارهای گونه‌گون و سایر تجهیزات نوین در منطقه هشتر یا مشخصاً در حوالی آبادی‌های پشته رود، اسالم یا نوکنند در کنار خزر.

ب) کشیدن بزرگراهی تقریباً افقی و مستقیم بین مناطق نامبرده و تبریز که از شهر سراب

می‌گذرد.

البته تعیین دقیق محل یاد شده برای احداث بندر، مستلزم انجام کار کارشناسی و برآوردهای دقیق فنی است. هرگاه این بررسی‌ها احداث بندر در فاصله پشته رود تا نوکند را عملی نیافتند و یا اگر به علل اقتصادی و رعایت صرفه‌جویی در هزینه‌ها نخواستند به‌دست به احداث یک بندر جدید بزنیم، توسعه دادن امکانات بندر انزلی و مجهز ساختن آن به همین منظور، شاید مناسب‌ترین بدیل باشد. پس راهکار آرمانی، احداث یک بندر جدید با در نظر گرفتن مهندسی شهری، راههای ارتباطی و امکانات گونه‌گون بر مبنای دستاوردهای نوین رشته عمران است که اگر بنا به هر دلیلی انجام آن مقدور نشد، راهکار دوم استفاده از بندرانزلی تواند بود.

دومین کار عمرانی کشیدن بزرگراهی است که خزر را به تبریز متصل می‌کند. بر اساس برآوردهای اولیه، طول این بزرگراه از دویست و پنجاه کیلومتر بیشتر نخواهد بود. این مسافت با خودروهای معمولی در کمتر از سه ساعت قابل طی شدن است. بدیهی است که چنین بزرگراهی در راستای خود توقف‌گاه‌ها، تعمیرگاه‌ها و حتی مجتمع‌های بازرگانی، سیاحتی و... متعددی را راه خواهد انداخت که هر کدام در رونق وضع اقتصادی آبادی‌های همجوار نقش تعیین‌کننده‌ای توانند داشت.

کارهای تکمیلی انواع و جنبه‌های گونه‌گونی دارند که جملگی در اختیار حاکمیت کشور خودمان است و به تدریج می‌تواند، عملی شود. یعنی دولت با اتخاذ چند تصمیم و اعطای چند امتیاز مانند تعیین تبریز به عنوان منطقه آزاد تجاری، تبدیل تبریز به شهر نمایشگاهی بین‌المللی، تصویب پاره‌ای امتیازات گمرکی چون ترخیص کالاهای وارداتی و یا ایجاد امکان صدور کالا از پایانه‌های این مرکز تجاری با مزایای خاص و... خیلی ساده امکان برداشتن گام‌هایی در جهت اعاده گذشته پر رونق اقتصادی و اجتماعی تبریز را می‌یابد. چون پس از دایر شدن بندر و بزرگراه یاد شده، ایران با کلیه کشورهای حاشیه خزر و از طریق آنها با سرزمین‌ها و کشورهای همجوار اعضای سازمان عمران منطقه‌ای اکو، به طریقی مبادله تجاری برقرار خواهد کرد که از نظر اقتصادی کم هزینه‌ترین نقل و انتقال کالا را در اختیار ما می‌گذارد. این خط ارتباطی علاوه بر جنبه‌های بازرگانی و اقتصادی، جنبه‌های سیاحتی بسیار پربراری را هم ایجاد خواهد کرد. صنعت توریسم چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی و محلی آن فعال می‌شود. اهالی تبریز و مناطق و شهرهای همجوار آن، در حدود دوسه ساعت می‌توانند به صفحات شمال کشور و کناره‌های سرسبز خزر دست یابند که این امر خود از چندین نظر در توسعه این مناطق موثر خواهد افتاد.

از آنجایی که محل احداث هر دو کار عمرانی این پروژه، در شرق تبریز قرار دارند، سرزدن خورشید تصویب و اجرای آن، شهر سالخورده ما را پر نور و دلگرم تواند کرد. آفتاب سعادت را نورافشان و گرمی بخش حیات اجتماعی تبریز خواهد کرد. از اینرو ممکن است جا داشته باشد که اگر نامی برای بزرگراه مورد بحث یا دست کم برای پروژه حاضر پیشنهاد می‌شود، نام «شمس تبریز» به

میان آورده شود. بی تردید چندان خالی از زمینه تاریخی و فرهنگی هم نخواهد بود که تحقق یافتن این پروژه را به شمس حیات بخش تبریز و منطقه تشبیه کنیم. لذا برای حُسن ختام هم که شده می تواند با دلباخته، شیفته و مرید شمس تبریزی هم آواز شد و گفت:

نورهای شمس تبریزی چو تافت / ایمنیم از دوزخ و از نارها<sup>۱۹</sup>  
نگارنده هم صورت و معنائی برازنده تر و زیباتر از این نمی یابد که بزرگ مرد تاریخ و فرهنگ ما یافته، پس با استعانت از انفاس قدسی مولانا و به بیان آن گوهرراد، مفهوم سروده وی را باز می تاباند که:

در حُسن شمس تبریز دزیده بنگریدم / زه گفتم و ز غیرت تیر از کمان بجسته

## یادداشت ها

- ۱- ویلم فلور، جُستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۵)، جلد دوم، ترجمه: دکتر ابوالقاسم سری، ص ۳۵.
- ۲- همان اثر، ص ۱۵۵.
- ۳- همان اثر، ص ۱۵۸.
- ۴- یرواند آبراهامیان، مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران، (تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۷۶)، ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی، ص ۲۵.
- ۵- فریدون آدمیت و همانا طق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶)، ص ۳۳۶.
- ۶- یرواند آبراهامیان، همان اثر، ص ۱۳۸.
- ۷- ویلم فلور، همان اثر، ص ۱۶۱.
- ۸- برای آگاهی بیشتر بنگرید به نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، (تبریز: انتشارات ستوده، ۱۳۷۳)، تصحیح و تحشیه: غلامرضا طباطبائی مجد، صص ۲۴۰-۲۴۴.
- ۹- دکتر ویلم فلور، همان اثر، ص ۱۶۶.
- ۱۰- همان اثر، ص ۱۷۰.
- ۱۱- همان اثر، ص ۱۷۸.
- ۱۲- احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه، (تهران: انتشارات زمینه و انتشارات پیام، ۱۳۵۹)، ص ۲۷.
- ۱۳- رضابراهی، رازهای سرزمین من، (تهران: انتشارات مغان، ۱۳۶۶)، جلد های اول و دوم.
- ۱۴- استانداری آذربایجان شرقی، مجموعه مقالات سمینار آذربایجان و توسعه، (تبریز: نشر



استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۲)، جلد‌های اول و دوم.

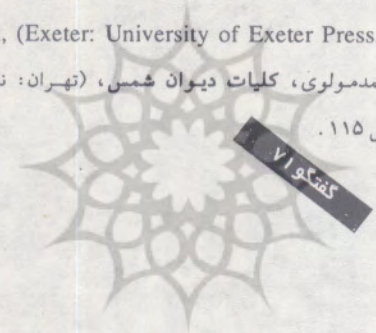
۱۵- «پروژه» متشکل از دو بخش Pro و Jet است که معنی تحت‌اللفظی آن به جلو انداختن است. از نظر هواداران «اصالت وجود» پروژه خصوصیت «وجود» است که می‌خواهد همیشه از خودش پیش‌تر باشد و این معنی را با طرح یک پیشنهاد یا طرح افکنی به انجام می‌رساند.

۱۶- منظور «گفتگو» که در اصل ترجمه واژه Dialogue است مذاکره یا مباحثه‌ای که بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی معاصر وجود آن را ضرورتی برای ساختمان یک جامعه سالم می‌شناسند. به ویژه با معنی و مفهومی که یورگن هابرماس برجسته‌ترین چهره دبستان فرانکفورت آنرا ارائه می‌دهد و در نظریه‌های خویش بر وجه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی آن تأکیدی به سزا می‌ورزد.

۱۷- «علت وجودی» ترجمه واژه Raison d'etre است که به معنی فلسفه وجود، شأن نزول یا حکمت پیدایی یک پدیده بکار می‌رود.

18- Mohammad Hariri-Akbari and Mahmood Gazi-Tabatabaie, "Central Asia, Persian Gulf and Regional Organizations", in: **From the Gulf to Central Asia**, ed. Anoushirvan Ehteshami, (Exeter: University of Exeter Press, 1994), pp. 74-81.

۱۹- مولانا جلال‌الدین محمدمولوی، کلیات دیوان شمس، (تهران: نشراد، ۱۳۷۵)، جلد اول، تصحیح: استاددبیر الزمان فروزانفر، ص ۱۱۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی